

# ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی  
 • **مدیر مسئول:** محمد حسن روزی طلب  
 • **سردبیر:** حسام الدین برومند  
 • **معاون فنی:** محمدملعی اکبری  
 • **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)  
 • مهدی مهرپور (اقتصادی)  
 • زرتین رستمی وند (اجتماعی)

• بنفشه غلامی (جهان)  
 • لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)  
 • زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار (حوادث)  
 • مهدی کلهرزاد (اجرای)  
 • حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)  
 • محسن جانی پور (ویراستاری)  
 • ابوالفضل نسایی (عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵  
 • **پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
 • **صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵۰۳۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰  
 • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم  
 • **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT  
 • **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)  
 • **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



زین گلستان عاقبت چون باد می‌باید  
 کشت  
 بدرختی هرزمان چون تاک‌بچیدن چرا

صائب تبریزی



سخن‌روز

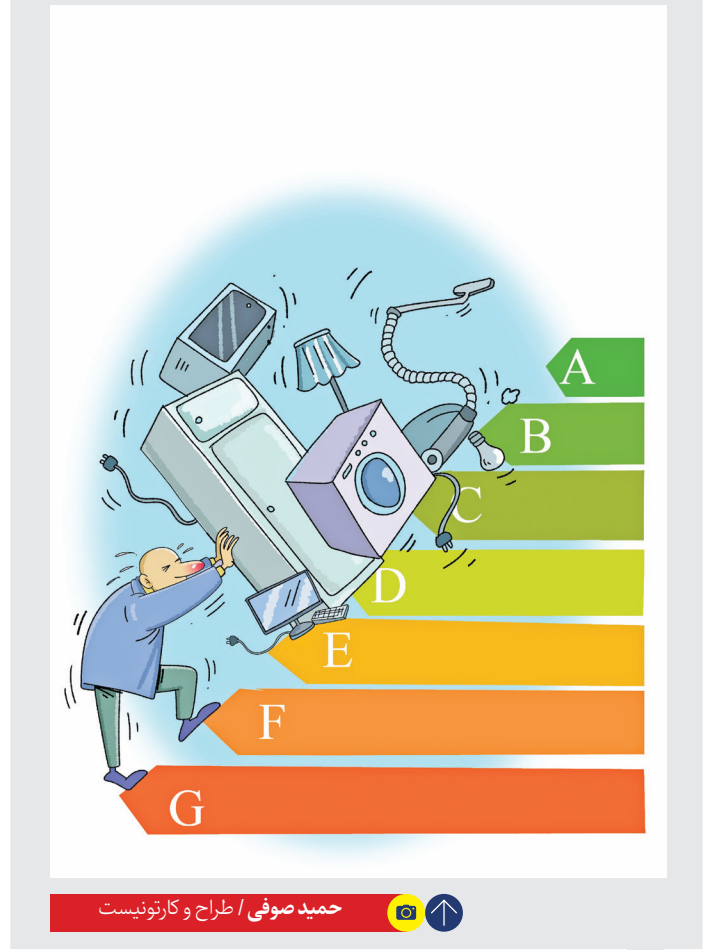
حضرت علی (ع):

سینه عاقل مخزن راز اوست، گشاده‌رویی دام محبت و تحمل آزار دیگران، پوشاننده عیوب انسان است.

نهج البلاغه، حکمت ۶

نگاره

بهبینه سازی



فضای مجازی

معرفی فیلم و کتاب به همت پرستو گلستانی

پرستو گلستانی، بازیگر تلویزیون در تازه‌ترین پستی که منتشر کرده خبر از آغاز فعالیت خود در فضای مجازی برای معرفی فیلم و کتاب داده و نوشته: «پدر و مادرهای عزیز، از این به بعد سعی می‌کنم، کارتون، فیلم، کتاب و برنامه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان را بیشتر بهتون معرفی کنم.»

کارگاه سه‌روزه راضیه تجار برای اردکانی‌ها

راضیه تجار، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی تصویری از محفل‌های هفتگی ادبی که به عنوان سه‌شنبه‌های عزیز برگزار می‌شود منتشر کرده؛ این نویسنده ادبیات انقلاب و جنگ طی روزهای گذشته برای برپایی کارگاه سه‌روزه داستان‌نویسی عازم یزد شده بود. او در همین رابطه نوشته: «کارگاه سه‌روزه داستان‌نویسی در شهر اردکان یزد و مصادف شدن آن با روز تولد و غافلگیر شدن توسط دوستان و همراهان عزیز.»

پیش‌بینی محمد شایسته برای «مرداب»

محمد شایسته، تهیه‌کننده سینما با انتشار پوسترهایی از سریال «مرداب» نوشته: «سریال مرداب محصول اختصاصی فیلم‌نت است که تاکنون ۱۰ قسمت از آن منتشر شده و توانسته با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شود؛ با توجه به این استقبال پیش‌بینی می‌شود که این سریال مهم‌ترین سریال سال ۱۴۰۲ شود.» «مرداب» سریالی در ژانر درام و معمایی، به کارگردانی برزو نیک‌نژاد و تهیه‌کنندگی محمد شایسته است. نخستین قسمت از این سریال از چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۲ در شبکه نمایش خانگی پخش شد. شهرام حقیقت‌دوست، پانته‌آ پناهی‌ها، حامد کیمی، الهام اخوان و ستاره‌پسیانی از بازیگران این مجموعه هستند.

شادباش زادروز محمد بحرانی

محسن شریفیان، خواننده و آهنگساز با انتشار پستی، زادروز محمد بحرانی را تبریک گفته و نوشته: «تولدت مبارک رفیق. محمد بحرانی عزیز، شما همان نفس باد صباي مشک‌فشان شیرازی که از خوش‌اقبال‌ی ما، همزمن این دورانی. نمی‌دانی چه لذتی دارد در کنار شما سناز زدن. سناز دلتان گوگ و صدای گرم‌تان پرطنین.» محمد بحرانی متولد آذرماه سال ۱۳۶۰ و از جمله چهره‌های شناخته‌شده و فعال در زمینه‌های تئاتر، سینما و تلویزیون است که در کسوت صداپیشه، عروسک‌گردان، کارگردان، شاعر و مجری هم انجام کارهای متعددی در کارنامه کاری وی ثبت شده است.

دعوت آقای کارگردان به تماشای ۲ نمایش

حمیدرضا نعیمی، بازیگر، کارگردان و مدرس تئاتر درباره کاری که این روزها به کارگردانی وی در سالن اصلی تئاتر شهر به روی صحنه می‌رود، نوشته: «دشوارترین نقشی که تا به حال بازی کرده‌ام، فردریک لومتر است.» نویسنده این نمایش را اریک امانوئل اشمیت انجام داده است. نعیمی در ادامه پوستر از نمایش «توافقنامه» را منتشر کرده که در آن آمده: «توافقنامه نام یک نمایش است به کارگردانی کوروش سلیمانی و بازی بهنام تشکر و رامین ناصر‌نصیر». او از علاقه‌مندان تئاتر برای تماشای نمایش‌های «فردریک» و «توافقنامه» دعوت کرده است.

تحسین بازی ژاله صامتی در سرهنگ ثریا

مازیار لریستانی، بازیگر تلویزیون و تئاتر با انتشار تصویری از ژاله صامتی نوشته: «ژاله صامتی بی‌شک یکی از بازیگران توانمند تئاتر و سینمای ما محسوب می‌شود. مدت‌ها بود که می‌خواستیم بازی جدیدش را در فیلم سرهنگ ثریا ببینیم. حظ کردم. او همشهری و همزبان و همکار و دوستی بی‌همتا است. مادران دادخواه را با بازی درخشانش به تصویر کشیده. هر انسان آزاده‌ای با هر عقیده و گرایشی درد مادران دادخواهی که فرزندان‌شان اسیر باشند را از این بازی درخشان می‌فهمد. در مقام کسی که ۴۰ سال بازیگری کرده و بیش از ۳۱ سال آموزش بازیگری داده‌ام بازی بی‌همتی این هنرمند شریف را تحسین می‌کنم. او بدون شک مرزهای بازیگری خودش را هم با ایفای این نقش شکسته.»

نقل قول



داریوش فرهنگ  
بازیگر و کارگردان

تئاتر پایگاه فوق‌العاده‌ای برای آموختن، خودسازی و تمرین است

در گذشته تئاتر و سینما منبع الهام یکدیگر بودند و امروز ادبیات هم به آن وارد شده است. تئاتر پایگاه فوق‌العاده‌ای برای آموختن خودسازی و تمرین است و به همین دلیل است که می‌گویم پایه کار تئاتر است اما این مدیوم‌ها بسیار متفاوت هستند. در تئاتر بیشتر با کاراکتر روبه‌رو هستیم در صورتی که در سینما خود شخص بازیگر برجسته است. در تئاتر به اندیشه و افکار هملت کار داریم اما در سینما بازیگر آن نقش مهم است. دوره اغراق در تئاتر مربوط به دوران کلاسیک است و امروز از آن عبور کرده‌ایم و وجود آن کار را تصنعی می‌کند. اغراق در تئاتر آن زمان، به دلیل فاصله زیاد تماشاگر از صحنه نمایش بود. امروزه باید به درجه باورپذیری یک نقش برای تماشاگر رسید.

| بخشی از صحبت‌های این هنرمند در کارگاه آموزشی موزه سینما

یادداشت



تقی زاهد  
خبرنگار و پژوهشگر

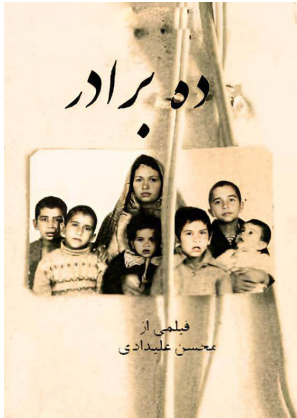
۱۰ برادر؛ مستندی پراز لحظات تکان‌دهنده

مستند ۶۲ دقیقه‌ای ۱۰ برادر یکی از انبوه‌آثاری است که در سینمای ایران در قالب سینمای مستند یا داستانی به آثار و تیغ‌ت خانمان‌سوز اعتماد می‌پردازد اما برخی ویژگی‌های منحصر به فرد و جذاب باعث وجه تمایز این اثر با دیگر آثار مشابه و طرح و بحث‌های فراوان پیرامون فرم و محتوای آن در محافل سینمایی داخلی و خارجی شده است.

شاید نخستین و کنجگاو پراکنده‌ترین ایده مستند ۱۰ برادر که از قصه دو خطی آن نیز مشخص می‌شود، ابتلای ۷ نفر از ۱۰ نفر برادر یک خانواده به اعتیاد است که به خودی خود اتفاقی عجیب و تکان‌دهنده به نظر می‌رسد؛ اصل ماجرا این طور بوده است که خانواده‌ای فقیر در اصفهان و شهر نجف‌آباد زندگی می‌کنند که پدر و مادرشان فوت شده و در جریان مستند قرار است سرگذشت تک تک این افراد به اجمال توضیح داده شود؛ یک برادر به دلیل حضور در جنگ شهید شده و برادر دیگر به خاطر اعتیاد و حادث شدن مشکلات ناشی از آن در بیمارستان فوت کرده است. حالا ما با ۸ برادر دیگر مواجه هستیم که دو نفر یک‌پا و ۶ نفر الوده به اعتیاد هستند. از این دو نفر نیز یکی عطای ماندن در این خانه را به لقای بخشیده و به طور کلی از این شهر رفته و در مقابل برادر دیگری به نام مجتبی همچون والدی دلسوز به ضبط و ربط ۶ برادر دیگر مشغول شده که چندتای آنها در زندان هستند و گاهی برای مرخصی به منزل می‌آیند و چند تای دیگر هم فعلاً میهمان مجتبی هستند؛ دو برادر از این مبتلایان به اعتیاد نیز متاهل و مستقل هستند که یکی به تازگی اعتیاد را ترک کرده و دیگری همچنان استفاده‌کننده و مشتاق است!

جدای از ماجرای عجیب این خانواده که به واقع سوزهای جذاب برای مستندگردن و ساخت یک فیلم مستند داستانی بوده، علی‌اده در مقام فیلمساز در پرداخت نیز بلوغ و خلاقیت‌هایی به خرج داده که سبب شده مستند ۱۰ برادر همانند بسیاری از مستندهای این سال‌های سینمای مستند تنها به سوز و ایده اولیه بکرو و جذاب محدود نباشد و شاهد پرداخت سینمایی، جذابیت‌های روایی و آسیب‌شناسی‌های اجتماعی نیز در طول اثر باشیم.

ریتم و ضرباهنگ ۱۰ برادر با وجود اینکه قرار است حجم



فیلم ۱۰ برادر  
محسن علی‌دادی

یکی از وجوه کمتر دیده شده مستند ۱۰ برادر به شخصیت‌پردازی و بحث روانشناختی کاراکترها مربوط می‌شود چنانکه یک برادر زندگی و تمام وقت خود را به خانواده و برادرانش تخصیص داده، برادر دیگر به راحتی از این خانواده دل کنده و زندگی خودش را از سر گرفته و در نقد برادر دلسوز نیز می‌گوید که دلسوزی این برادر باعث رودار شدن و سوءاستفاده برادران دیگر شده است یا در جای دیگر، برادری بدون توجه به ناراحتی و گله‌مندی همسر و دو دخترش، ناتوانی خود در ترک اعتیاد و امرار معاش را به ساده‌ترین شکل توجیه می‌کند و برادر دیگری عزم خود را برای ترک، با دونداختن مواد جلولی دورین مستندساز نشان می‌دهد. برادری جامعه را عامل اعتیاد خود می‌داند و دیگری، فوت مادر و پدرش را و در نهایت برادر بزرگ‌تر ابتلای پدرشان به اعتیاد و استفاده زیاد وی از این مواد را به طور موروثی، علت اصلی این مشکلات عنوان می‌کند تا نشان دهد آدم‌های فیلم تا چه اندازه متفاوت فکری می‌کنند و متعاقب آن عمل و رفتار می‌کنند.

در مجموع باید ۱۰ برادر را مستندی درخشان در ایده و پرداخت سینمایی دانست که توانسته مسأله اعتیاد و عواقب و ریشه‌های آن را بدون شعار و کلیشه و به شکلی ساده و واقعی بیان کند و در این میان روایت جذاب فیلمساز که ناشی از همزیستی با اثر و توجه به عناصر فنی و روایی سینمایی بوده بسیار حائز اهمیت و مؤثر بوده است.

عکس‌نوشت



کشت زعفران  
چهار سال پیش  
به صورت آزمایشی  
در منطقه‌ای به  
مساحت هزار متر  
مربع در شهرستان  
«دزپارت» استان  
خوزستان آغاز شد.  
با توجه به سازگاری  
این محصول با  
شرایط جغرافیایی  
و آب و هوای  
منطقه و با همت  
کشاورزان این  
شهرستان درحال  
حاضرکشت آن در  
زمینی به وسعت  
۳۰ هکتار انجام  
می‌شود. طبق  
پیش‌بینی سازمان  
جهاد کشاورزی،  
حدود ۷۰ کیلوگرم  
زعفران از این  
زمین‌ها برداشت  
خواهد شد و  
محصول تولیدی  
عمدتاً در بازار  
محلی به فروش  
می‌رسد.

عکس: ایرنا

یادداشت



امروز کلمه‌ای در غزه شهید شد

شما دارید به عکس رفعت‌العربیر نگاه می‌کنید. او نظامی نبود. اگر بخواهم کامل صدایش کنم، باید بگویم استاد دکتر رفعت‌العربیر. رفعت در دانشگاه ادبیات درس می‌داد. شعر می‌گفت. داستان‌های می‌نوشت. رفعت کلمات را می‌فهمید. وزن و آه‌ها را حس می‌کرد. در صفحه‌اش بر میوه‌ها و گل‌ها دقیق می‌شد. ظرافتشان را ادراک می‌کرد.

رفعت زبان می‌دانست. به شاگردانش انگلیسی درس می‌داد. داستان‌نویشتن یادشان می‌داد. رفعت، شصت روز مداوم، پشت یک صفحه ایستاده بود:

we\_are\_not\_numbers

این ایده او بود: «ما عدد نیستیم.»

او شصت روز، لاینقطع، قصه شهدای غزه را برای دنیا تعریف می‌کرد. با چشم خیس می‌نوشت و می‌نوشت و می‌نوشت تا دنیا بداند بیست هزار نفر شهید طی دو ماه، یک گزارش آماری از غزه نیست، بیست‌هزار زندگی، بیست‌هزار روایت، بیست‌هزار داستان است که در گور دسته‌جمعی زیر خاک رفته.

امروز، دکتر رفعت‌العربیر، تبدیل شد به شهید رفعت‌العربیر. امروز اسرائیل خانه او را بمباران کرد و رفعت و هر شش نفر عضو خانواده‌اش با هم شهید شدند. امروز، تمام شاعران آزاده جهان، تمام نویسندگان روشن‌ضمیر جهان در غزه شهید شدند. امروز کلمه‌ای در غزه زیر آوار ماند که مثلش نبود و نیست. واژه‌ای به آسمان رفت که بلند بود، خیلی بلند. اقتدر که به سرانگشت آرزو، دستم به بلندای قامت نتوهند نرسد؛ رفیع، درست مثل اسمش. رفعت‌العربیر، اسطوره من بود. تقلا می‌کردم بین او و خودم قرابتی پیدا کنم از جنس ادبیات و کلمات و زبان. آرزوبه‌دل بودم مثل او مؤثر باشم. او نظامی نبود، اما کلمه را مثل سلاحی بی‌مانند میان انگشتانش می‌چرخاند و سمت ظالمان جهان شلیک می‌کرد. رفعت، حاشیه‌نگار رنج فلسطین بود.

این شعراوست. رفعت نوشته «اگر من باید بمیرم، پس تو باید زنده بمانی تا داستانتان را برای بقیه تعریف کنی. تا خرت‌وپورت‌هایم را بفروشی... و از لباس‌هایم، از بند کفتم، نخ بلند بادیادکی بسیاری تا بچه‌ای در غزه که بهشت در نگاهش خانه کرده در جست‌وجوی پدری که در چشم به‌هم‌زدنی شهید شده، این بادیادک را، بادیادکی را که تو از من ساختی، ببیند و شده برای لحظه‌ای تصور کند فرشته‌ای است که عشق را به او بازگردانده. اگر من باید بمیرم، بگذار این مرگ امیدوی بیافریند، بگذار این مرگ افسانه‌ای باشد.»

کلمه عزیز من که امروز شهید شدی تو کلمه‌ای. عدد نیستی. دنیا شاید اعداد را فراموش کند، اما کلمات را هرگز از یاد نخواهد برد؛ به خصوص اگر این کلمات، حماسه‌ای باشند، چنان که تو بودی.



پرستو علی‌عسگر نجاد  
نویسنده



تقلامی کردم

بین او و

خودم قرابتی

پیداکنم

از جنس

ادبیات

و کلمات

و زبان.

آرزوبه‌دل

بودم مثل او

مؤثر باشم. او

نظامی نبود،

اما کلمه را

مثل سلاحی

بی‌مانند

میان

انگشتانش

می‌چرخاند

و سمت

ظالمان

جهان

شلیک

می‌کرد.

رفعت،

حاشیه‌نگار

رنج فلسطین

بود

